

labern لغت روز Wort des Tages

labern یک فعل می باشد

حرف های سطحی و کم عمق زدن ، وراجی کردن ، پر حرفی کردن

laberten : گذشته ساده

haben gelabert : گذشته کامل

Was laberst du da?

چی داری وراجی میکنی ؟

بی ادابانه ترش : چی داری زر میزنی ?

Wir sitzen abends öfter dort und labern

ما اغلب سر شب ها آنجا می نشینیم و پر حرفی میکنیم

Der Professor hat eine Stunde gelabert. Da war nichts Wichtiges dabei

آن استاد یک ساعت وراجی کرد ، اگر چه هیچ چیز مهمی به همراه نداشت

Ich habe zufällig eine alte Freundin beim Einkaufen getroffen und mit ihr dann gleich über eine Stunde gelabert

من به طور تصادفی یک دوست قدیمی را در هنگام خرید کردن ملاقات کردم و پس از آن با او حدود یک ساعت پر حرفی کردم (وراجی کردم)

اصطلاح :

labern wie ein Wasserfall

همچون یک آبشار وراجی کردن

معادل فارسی : چانه اش یک لحظه از گفتن باز نمی ماند

Es ist egal was Leute hinter deinem Rücken labern! Wichtig ist nur, dass sie die Fresse halten, wenn du dich umdrehst

این مهم نیست که چه چیزی دیگران پشت سرت وراجی میکنند ، مهم فقط این است که وقتی تو برمیگردی ، خفه خون (خفقان

(میگیرند

موفق باشید ؟

? Viel Erfolg